

# نهضت های رایج بخش ملی و سردهای تروریستی

## در حقوق بین المللی



نوشته : عبدا لا حمد ( فیض )

من نویسنده این مقاله ، علاقه ای مزید داشتم تا مطلبی را تحت عنوان فوق ، بمنظور تفکیک و تعریف دقیق و همه جانبه حقوقی جنبش های ملی که بخاطر آزادی ملی و حق تعیین سرنوشت می رزمند و گروه های که به مقاصد ضد ملی ، ویا اهداف تروریستی فعال هستند ، به رشته ای تحریر در آورده و حضور خوانندگان محترم تقدیم بدارم.

درین نبشته حتی المقدور سعی خواهیم ورزید تا به استناد به نورم ها و معیار های حقوق بین المللی، مدارک و اسناد تاریخی به رفع سو تفاهماتی بپردازم که بعضا عده ای افراد، فعالیتها و نبرد سازمانها ویا گروه های که مصروف انجام اعمال دهشت افگنی و تروریستی هستند و در راستای تحقق مقاصد تروریستی و هراس افگنی ، از منابع تجاوز کار خارجی مساعدتهای ، مالی ، تسلیحاتی، لو زیستکیو در نهایت اسخباراتی دریافت مینمایند و شعارهای فریبندو اغواگرانه

چون نبرد بخاطر دفاع از وطن، حفظ ارزش های فرهنگی، دینی و مفاخر تاریخی را چون وسیله ای مشروع اعمال هراس افکنانه شان مورد استفاده قرار میدهند، با رزمندگان راه آزادی ملی، یکسان و یا مترادف قرار میدهند. که این سوتفاهم و عدم آگاهی سبب میگردد که برخی افراد حتی به حامیان غیر مسلح چنین گروه ها مبدل گردد. لذا با این پیشگفتار مختصر، اینک موضوع را با اعجاز تحت دو کتگوری و به استناد معیار های حقوقی و شواهد تاریخی مورد بررسی قرار میدهیم:

الف: مبانی حقوقی نهضت های رهای بخش ملی.

ب: عدم مشروعیت گروه های تروریستی و تفکیک ان از نهضت های ملی.

الف: مبانی حقوقی جنبش های رهای بخش ملی

### National Freedom Movement

جنبش های رهای بخش ملی یکی از فصول درخشان تاریخ مبارزات بشری را تشکیل میدهد، که در تداوم سایر نهضت ها و قیام های بشری چون جنبش های ناسیونالیستی، لیبرالیستی ملی گرای و غیره در ضدیت با استعمار کهن، اشغال و اپرتایید (نژادپرستی) در کشور های تحت سلطه ای استعمار آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین شکل گرفته و بعد از شکست فاشیزم در جنگ دوم جهانی بیک نیروی عظیم ضد استعماری مبدل گردید.

بایست اذعان داشت، که برده سازی خلق های سرزمین های تحت اشغال و بهره کشی از نیروی عظیم انسانی، تاراج ثروتهای ملی و کلیه هستی های مادی و معنوی کشور های تحت استعمار، از اهداف اساسی استعمارگران در قرون گذشته بوده که به منظور صیانت ازین منافع سرشار دول استعماری، از هیچگونه جنایت در برابر خلق های تحت ستم دریغ نمی ورزید. بنا، مقاومت انها بخاطر حفظ منافع ازمدانه شان، اکثرا قیام مسلحانه خلق های تحت اشغال را در قالب قیام های ملی مقاومت باعث گردید. که درین قسمت از قیام ملی مردم الجزایر درسال 1952 و نهضت رهای بخش ملی خلق فلسطین و هکذا جنبش آزادی خواهانه ای نیم قاره هند در سال های 1946 - 1947 و سایر نهضت های ملی در کشور های آسیای، آفریقایی و امریکای لاتین نامبرد.

طوریکه خاطر نشان گردید که قیام های مردمی ضد اسعمار در کشور های تحت سطیره اشغالگران اکثرا، توام بود با مقاومت ها و نیرد های دلیرانه مسلحانه، لذا، توسل بزور بمثابه شیوه های معمول در مبارزات میهن پرستانه انها مورد استفاده قرار میگرفت، فلهدا با پدید

امدن فضای نوین سیاسی در نظام بین المللی بعد از جنگ دوم که میزان حمایت از جنبش های رهای بخش ملی به نحو روز افزون ان گسترش می یافت ، ضرورت اعطای مشروعیت و ( Self Government ) تعریف چنین نهضت ها که به خاطر حق تعیین سر نوشت و یا خود مختاری می رزمند و تفکیک ان از گروه های تروریستی در اولیت کاری ملل متحد قرار گرفت .

ازینرو مجمع عمومی ان سازمان قطعنامه های متعددی در راستای حمایت از نهضت های ملی مقاومت صادر و حق خود مختاری سرزمین های تحت استعمار به حیث یک اصل حقوق بین المللی در فقره دوم ماده اول منشور ملل متحد تسجیل و جنبش های ازادی بخش ملی خلق های تحت اشغال ، گروهی نامیده شد که بخاطر ازادی ملی علیه استعمار ، اشغال و نژاد پرستی می جنگند.

و هکذا ملل متحد در روند اقدامات خویش در ماده ( 73 ) منشور بر اصل حق تعیین سر نوشت و حق خود مختاری ملت های جهان و مشروعیت قیام های استقلال طلبانه بر ضد استعمار تاکید نموده است .

در تداوم این تلاشها بایست متذکر شد که قوانین و معاهدات مختلف در حمایت از مبارزات مسلحانه جنبش های ملی مقاومت و نیروهای که به خاطر دستیابی به حق تعیین سر نوشت دست به اقدامات نظامی می زنند وجود دارد که درین خصوص میتوان از کانوانسیون های چهار گانه ای زنیف مصوب سال ( 1949 ) در مورد قواعد مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی ( ملت هاییکه بخاطر ازادی ملی بزور متوسل میگردند ) ، تلاش و مساعی کشور های جهان سوم ( روبه انکشاف ) که با تمام نیرو به حمایت از نهضت های ملی مقاومت مایل بودند و قادر گردیدند تا قطعنامه شماره ( 18 ) مجمع عمومی تحت عنوان ( وضعیت رزمندگان در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی ) و قطعنامه سال ( 1969 ) و شماره ( 2676 ) ، مصوب سال ( 1970 ) مجمع عمومی را با محتوی قبلی مندرج در شماره ( 18 ) از تایید مجمع عمومی ملل متحد در حمایت از مبارزان راه ازادی ملی بگذرانند .

معدالک بایست متذکر شد که مفاد مندرج در قطعنامه های فوق که به تدوین قوانین بشر دوستانه بین المللی منتهی شد، باعث گردیدتا در کنفرانس دیپلوماتیک منعقد زینو در سالهای ( 1974 - 1977 ) ، نبرد های ملی ازادیخواهانه ملل بعنوان درگیری های بین المللی مورد شناسایی قرار گیرد .

و هکذا قطعنامه ( 2918 ) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ( 1972 ) و قطعنامه ( 312 ) مصوب سال ( 1973 ) به وضاحت اعلام داشت که قیام و یا اقدام مسلحانه ، بخش مشروع و موجه از اقدام نهضت های رهای بخش ملی برای مبارزه با رژیم های نژادپرست و استعمارپیروان راندن آنهاست . و نیز قطعنامه ( 3134 ) مورخ ( 1976 ) به صراحت تمام مجوز استعمال

قوه را بر ضد استعمار و اشغال به نیروهای رهای بخش اعطا نمود.  
بنا بر بنیاد حمایت های فوق بوده که نهضت های ملی مقاومت بحیث یکی از شخصیت های  
برازنده حقوق بین المللی و کلیه اقدامات رزمی و مبارزاتی شان عملکرد مشروع پنداشته  
میشود .

ب: عدم مشروعیت گروه های تروریست و تفکیک ان از نهضت های مقاومت ملی :

( به معنی ترس ، رعب و وحشت وارد قاموس سیاسی Tras و ازه ترور که از کلمه یونانی )  
گردیده است و عبارت است از کار برد کلیه شیوه های قتل ، کشتار ، ویرانی و وحشت بخاطر  
کسب اهداف نا مشروع سیاسی.

از دید تاریخی ، فقط انقلاب بیون فرانسوی بودند که ترور را بمثابه روش مناسب مبارزات انقلابی  
شان در انقلاب ( 1789 ) فرانسه بر گزیده و ازین شیوه به پیمانگه گسترده ان در خلال د  
گرگونی های انقلابی استفاده کردند.

این اصطلاح بار نخست در کنفرانس بین المللی سال ( 1930 ) در پولند موضوع مذاکرات  
مشمولین کنفرانس قرار گرفته و وارد کار زار مباحثات حقوقی سران دول و حقوقدانان گردید  
که محور مذاکرات در کنفرانس مذکور را پیگرد و مجازات عاملان ترور احتوا میکرد . که پنج  
سال بعد یعنی در سال ( 1935 ) در کنفرانس کوپنهاگن روی موضوع تاکید بیشتر صورت  
گرفت. موازی به مساعی فوق بمنظور تعریف و مجازات عاملان ترور موافقتنامه در سال  
( 1937 ) در زینو به مقصد جلوگیری از تروریزم انعقاد یافتکه تعریفی از تروریزم بدین شرح  
ارایه داشت : (( هر گونه اعمال مجرمانه که بر ضد یکی از دولت ها صورت گیرد و هدف ان  
ایجاد وحشت و نگرانی در میان شخص ، اشخاص ، گروهی از افراد ویا تمام ملت باشد ))  
اما بوضوح میتوان اذعان کرد که اعضای جامعه بین المللی بعد از تعریف تروریزم در موافقتنامه  
فوق قادر نگردیدند که مفکوره ویا دیدگاه واحدی مبنی بر تعریف جامع از تروریزم ارایه  
دهند و فکتور عمده هم دران نهفته بود که در برخی موارد ، نهضت ملی مقاومت و گروه های  
تروریستی از روش های مشابه و اما با اهداف کاملا، متضاد به نبرد میپردازند، که این روش  
های مشابه جنگی عبارتند از :

- 1 - نیروهای تروریستی همانند جنبش های ملی مقاومت ، عملکرد شانرا دفاع از داعیه ای چون،  
دفاع از وطن ، ارزش های دینی و مفاخر تاریخی و فرهنگی میدارند .
- 2 - گروه های تروریستی و نهضت های مقاومت ملی ، هر دو از شیوه های نا متعارف در جنگ  
استفاده مینمایند ( جنگ های نا منظم ، چریکی ویا پار تیزانی وغیره . )

3 - از نظر تسلیحات و ابزار جنگی با هم شباهت دارند ( معمولاً دارای وسایل جنگی ای هستند که به سهولت قابل استفاده و انتقال میباشند استفاده مینمایند )

4 - هر دو گروه ، اراضی کوهستانی ، جنگلات و اراضی نا هموار را مکان مناسب برای فعالیت های جنگی شان بر می گزینند .

5 - عملیات جنگی با افراز کمین ، انفجار راه ها ، پل ها ، خطوط ترانسپورتی و مسدود ساختن آن

6 - جنبش های رهای بخش و گروه های تروریستی ، پروپاگند و تبلیغات به هدف تضعیف روحیه دشمن را روش مناسب در جنگ می پندارند .

به اعجاز میتوان یاددهانی نمود که مجمع عمومی ملل متحد در سال 1994 ضمن تعریفی از تروریسم در چهار چوب سایر جرایم بین المللی چون جرایم علیه نمایندگی سیاسی و دیپلوماتیک ( در مغایرت با کانونسیون 1961 ) وین ، طیاره ربای، دزدی دریای گروگانگری ، شکنجه و غیره ، دولت ها را از انجام اعمال تروریستی ( تروریسم دولتی ) بر حذر داشت . شایان تذکر میدانم که مساعی جامعه بین المللی در مبارزه علیه تروریسم بعد از 11 سپتامبر سال 2001 که مرکز تجارت جهانی در نیو یورک را هدف قرار داده و به تلفات بزرگ انسانی منتهی شد ، شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه های متعدد ضد تروریستی صفحه جدیدی را در مبارزه علیه تروریسم جهانی در مقیاس بین المللی گشود که میتوان از قطعنامه های 1368 و 1373 که بتاسی از احکام مندرج در فصل هفتم منشور صدور یافت ، نامبرد که نقطه عطف در روند مبارزه جهانی علیه تروریسم محسوب میگردد. لذا بر بنیاد قطعنامه 1368 حملات تروریستی علیه برج های تجارت جهانی به شدت محکوم و قطعنامه 1373 مورخ 28 - دسامبر 2001 بیشتر معطوف به تعیین مسوولیت های معین دولتها در امر مبارزه علیه تروریسم بوده و حاکی برانست : هر گاه دولتی احکام قطعنامه را رعایت ننماید مسوولیت بین امللی دولت را وارد صحنه میسازد.

فلهذا به استناد معیارها و اسناد حقوق بین المللی اینک به ذکر مشخصاتی می پر دازم که گروه های تروریستی را از جنبش های رهای بخش ملی تفکیک مینمایند.

1 - گروه های تروریستی ودهشت افکن فاقد حمایت و پشتیبانی ملی است ، یا بعبارت دیگر عنصر مردمی در عملکرد آنها وجود ندارد .

2- گروه های که تروریست خوانده میشوند ، همواره بخاطر دستیابی به مقاصد ضد بشری و ظالمانه شان ، از مردمان ملکی بحیث سپر انسانی استفاده نموده و اهالی بیدفاع ملکی از اهداف دست اول آنها بمنظور ایجاد افرینش فضای رعب و وحشت به حساب میاید، در حالیکه رزمندگان راه ازادی ملی ویا جنبش مقاومت ، حمایت مردمی عنصر اصلی در مبارزات میهن پرستانه شان

پنداشته میشود .

3 - گروه های تروریستی معمولاً، از منابع مجهول پول ، تسلیحات و حمایت های لویستیکی و استخباراتی بدست میاورند در حالیکه مبارزان جنبش ملی مقاومت از حمایت حقوق بین المللی بر خوردار بوده و دولت ها حق دارند تا در پر تو اسناد حقوق بین المللی ازین جنبش ها حمایت نموده وانرا برسمیت بشناسند .

4 - گروگانگری، به اسارت کشانیدن افراد بی گناه ، شکنجه ، توهین عبارت از روش های معمول در عملکرد گروه های تروریستی بوده که راه مبارزان مقاومت ملی را از چنین روش های غیر انسانی جدا میسازد .

5 - حمایتپشتبانی مالی ، تسلیحاتی و هر نوع مساعدت دیگر از گروههای تروریستی ،مسئولیت بین المللی دولت را چون حامی تروریزم مطرح نموده ، در حالیکه جنبش های ازادی بخش ملی چون شخصیت حقوق بین المللی از حق دریافت کمک ومساعدت سیاسی ، اقتصادی وغیره دول دیگر بر خوردار هستند .

در فر جام ، امید می رود که تحلیل و تفکیک ازین دست که در روشنای منشور وحقوق بین المللی صورتد گرفته است به سو تفاهماتی پایان دهد که عده ای به علت عدم درک کافی و یا عدم دسترسی به اطلاعات و منابع حقوقی لازم ، خواسته ویا نا خواسته به مدافعان غیر مسلح ، گروه های مسلح تروریستی مبدل گردیده و یا قریب بانی جنگ های روانی و تبلیغاتی سازمانهای میگردند که به امنیت ، صلح مدنیت و رفاه بشری اعتنای ندارند .

مو خذ : یاداشت های از کانونسیون های بین المللی .

- منشور سازمان ملل متحد مورخ 26 جون سال 1945.

- یاداشتهای از دروس حقوق بین المللی در زمینه حقوق مخاصمات بین المللی .